





# تأثیر عفو مجنیّ علیه در سقوط مجازات قصاص

تالیف:

نصرت اله مجاهدی منش

ویراستار

حمداله مجاهدی منش

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: مجاهدی‌منش، نصرت‌اله، ۱۳۶۱ -
عنوان قراردادی	: ایران، قوانین و احکام Iran, Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: تأثیر عفو مجنی علیه در سقوط مجازات قصاص / تألیف نصرت‌اله مجاهدی‌منش؛ ویراستار حمداله مجاهدی‌منش.
مشخصات نشر	: تهران؛ قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۹۶-۲۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: جرایم علیه اشخاص-- ایران
موضوع	: Offenses against the person-- Iran
موضوع	: عفو بزهکاران و مجرمین -- ایران
موضوع	: Pardon -- Iran
موضوع	: سازش (حقوق)-- ایران
موضوع	: Compromise (Law)-- Iran
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal law -- Iran
شناسه افزوده	: مجاهدی‌منش، حمداله، ۱۳۵۹ -، ویراستار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ت۲/م۳/۴۹/۴ KMHF
رده بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵-۲۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۷-۷۱۹۵

انتشارات قائمیه یار

## تأثیر عفو مجنی علیه در سقوط مجازات قصاص

تألیف: نصرت اله مجاهدی منش

ویراستار: حمداله مجاهدی منش

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8796-23-7

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت پلاک ۹۲

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶      ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	فصل اول
۹	مبانی ، اصول و قواعد ماهوی (کلیات)
۳۳	فصل دوم
۳۳	سقوط مجازات
۹۰	فصل سوم
۹۰	تحلیل فقهی و کیفری عفو جانی از قصاص نفس توسط مجنی علیه
۱۳۰	منابع و مأخذ



## مقدمه

در برخی مواقع، قانون گذار اعمالی را که علی الاصول و در شرایط عادی جرم است، خود با تصویب متن قانونی دیگر، تحت شرایط و اوضاع و احوال خاص، جرم ندانسته و مجازات نمی کند. در واقع با زائل کردن اثر عنصر قانونی، اعمال مجرمانه را موجه می شناسد. عفو مجنی علیه از جمله مباحثی است که هم در حوزه حقوق جزای اختصاصی و هم در حوزه حقوق جزای عمومی پیرامون آن بحث شده است. جرائم علیه اشخاص از جمله جرائم موضوع حقوق جزای اختصاصی است که اهم آن جرائم قتل و بالاخص قتل عمدی است. نه تنها در جرم قتل عمدی بلکه در سایر جرائم علیه تمامیت جسمانی و جرائم علیه تمامیت معنوی اشخاص، در جرائم ناشی از عملیات ورزشی و جرائم ناشی از عملیات پزشکی که از موضوعات مقررات قصاص، دیات و تعزیرات می باشد، می توان نقش عفو زیان دیده از جرم را مشاهده کرد.

در بررسی متون فقهی این نتیجه حاصل است که عفو و رضایت واجد اثر نسبی است. لذا در سلب حیات از خود یا دیگری، وقتی موثر است که مصلحت آن بر مفسده قتل چیره شود و به ظاهر نمی توان وضعیتی را یافت که به صرف رضایت، مفسده قتل از بین برود. از طرف دیگر راه عادی سقوط مجازات قصاص، اجرای آن است و در مواردی هم این مجازات بدون آنکه اجرا شود، ساقط می گردد و از این جهت، شبیه سایر مجازات ها است. اما از آنجا که مجازات قصاص یک مجازات شخصی است و در مواردی تابع مقررات شرعی می باشد، احکام خاصی بر آن مترتب است.

عوامل سقوط مجازات ها، همان عوامل توقیف دعوای عمومی است که در ماده ی ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است.

ماهیت مجازات قصاص اقتضاء می کند که عواملی همچون عفو و مرور زمان، موجب سقوط آن نشود؛ زیرا قصاص، حق اولیاء دم است و غیر از اولیاء دم، کسی حق گذشت و اسقاط آن را ندارد و حتی گذشت زمان نیز این حق را ساقط نخواهد کرد. نسخ مجازات



قانونی و اعتبار امر مختومه دو عامل عمومی سقوط دعوای عمومی و مجازات هستند که دعوای عمومی مربوط به قتل عمدی را نیز ساقط می کنند، اما قانون گذار حکم خاصی را در مورد جرم قتل عمدی و مجازات قصاص بیان نکرده است، بنابراین تابع احکام عمومی مربوط به سقوط دعوای عمومی و مجازات ها می باشد.

حق گذشت در جرائم قابل گذشت برای مجنی علیه برقرار می شود و دیگران حقی نسبت به آن ندارند اما مجنی علیه در جرم قتل عمدی، همان مقتول می باشد که نمی تواند این حق را اعمال کند و حتی اگر در فاصله رفتار فیزیکی و نتیجه مجرمانه، زنده بماند تا لحظه ای که زنده است، حقی برای او برقرار نگردیده تا آن را اعمال کند، زیرا حق قصاص نفس مرتب بر فوت مقتول است، به بیان دیگر قصاص نفس، بعد از فوت انسان زنده حاصل می شود و برای ایجاد چنین حقی قبلاً وجود انسانی زنده که دارای علائم حیاتی بوده و بر اثر جنایت قاتل فوت شده باشد، ضروری است.

در حقوق جزای اسلامی در ضمن مسائل قتل و مجازات آن، مسئله رضای مجنی علیه و تاثیر آن در اسقاط مجازات مورد ملاحظه و بحث و بررسی واقع شده است و در این باره آراء فقهی متقابلی مطرح شده است. این مسئله در حقوق جزای موضوعه ایران به طور بسیار مجمل منعکس شده است.

تاثیر رضای مجنی علیه در تحقق جرم یا سقوط یا تخفیف مجازات در حوزه جرائم علیه نفس مسئله بسیار مهمی است. در نظام عدالت کیفری ایران این مسئله مهم به نحو بسیار اجمالی مطرح شده است. این پایان نامه می تواند با بررسی جنبه های مختلف و آراء و نظریات متفاوت فقهی، مبانی، شرایط و حدود اعمال مقررات قانونی فعلی را به بحث گذاشته و نتایج روشن آن را ارائه نماید.



# فصل اول

## مبانی ، اصول و قواعد ماهوی (کلیات)

### کلیات

در این فصل ، علاوه بر پرداختن به پیشینه تاریخی و معانی قصاص با توجه به کتب فقهی و حقوقی ، سعی بر آن است که در حد امکان نسبت به حق یا حکم بودن قصاص و دیگر خصوصیات این نهاد فقهی - حقوقی پرداخته شود.

### مبحث نخست : سابقه تاریخی قصاص

کیفر بزهکاران از پدیده های زندگی گروهی است و در هر عصر و اجتماع انسانی دیده می شود . هر زمان که پدیده ای به نام جرم در این اجتماعات شناخته شده ، انسان ها به شیوه ای به رویارویی با آن برخاسته و به نشانه انزجار به مقابله با آن دست زده اند . این شیوه ها و راه های مقابله با جرم ، هم پای تحول بنیادی ترین هنجارهای اجتماعی که بر پایه ارزش های مادی و معنوی جامعه استوار بوده ، دگرگون و تکامل یافته است . در اجتماعات اولیه هرگونه لغزش و تجاوزی که به موارد نهی شده صورت می گرفت ، هر چند که اراده در آن دخالتی نداشت ، به شدیدترین صورت ممکن مورد سرکوبی قرار می گرفت و مقصر به مجازات های بسیار سنگینی محکوم می گشت . در این میان مسئولیت جزایی



نیز بر پایه مادی بودن عمل استوار و بنا گشته بود، به این شکل که اگر کسی مرتکب جرمی می‌گردید، خواه چنین شخصی از سلامت عقل برخوردار بود یا خیر، مستحق مجازات بود. تحول بنیادهای حقوق کیفری بر حسب نظام اجتماعی، نژاد، دین و اقالیم گوناگون، علی‌رغم فراز و نشیب‌های بسیار، هیچ‌گاه در طول تاریخ مسیر واحدی را نپیموده است. از مجموع بررسی‌های تاریخی چنین بر می‌آید، که در طی قرن‌ها، نهادهای اجتماعی همانندی در عرصه زندگی مردمان ظاهر شده‌اند و جوامع بشری مراحل یکسانی را به تبع پیشرفت و تمدن و تشکیلات اجتماعی پشت سر گذاشته‌اند.

لذا در این مجال و به اقتضای موضوع تحقیق به واکاوی نهاد قصاص در اسلام و ایران و سیر مراحل مختلف مجازات‌ها در اعصار مختلف می‌پردازیم.

### گفتار اول: دوران انتقام

در این مرحله، جامعه متشکلی وجود نداشته و خانواده تنها سلول منظم اجتماعی بود و جرایم ارتكابی غالباً قتل، غارت، سرقت و ضرب و جرح بوده ولی به دلیل این که جامعه‌ای به مفهوم فعلی وجود نداشته، زیان جرایم مزبور متوجه مجنی<sup>۱</sup> علیه و خانواده او بوده که تحت تاثیر کینه تیزی واقع و متوسل به انتقام می‌شدند.<sup>۱</sup>

در این دوران به تبع مالکیت جمعی، مسئولیت نیز جمعی بوده و گاه بر اثر وقوع جرمی، دو خانواده تا مدت‌ها به جان هم افتاده و کشت و کشتاری عظیم به راه می‌انداختند. در خانواده‌های پهناور که چندین نسل را در بر می‌گرفت، آیین دیرین و بنای مشترک که مظهر همبستگی خونی در میان افراد بوده، ضامن وحدت و یگانگی خانواده به شمار می‌رفت. چنین نظام اجتماعی قرن‌ها در میان قوم‌های سامی، یونانی، رومی و عرب پا بر جا بود.<sup>۲</sup>

در چنین جامعه‌ای همبستگی قومی و مسئولیت مشترک به هنگام تعدی و تجاوز دشمنان، بسیار قوی بود بدین گونه که اگر فردی از یک قبیله به حقوق فردی از قبیله دیگر تجاوز می‌

۱- شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ یازدهم، ۱۳۸۲، انتشارات مجد و ژوبین، ص ۱۴۸.

۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، انتشارات میزان، ص ۶۲.



کرد، از آنجایی که انتقام جویی حد و مرز نداشت و تناسبی میان گناه نبود، در بیشتر موارد آتش انتقام گسترده شده و علاوه بر کشتن متجاوز، دامن خویشاوندان و نزدیکان بزهکار و افراد بی گناه را می گرفت.

این دوره که برخی حقوق دانان آن را دوره «دادگستری خانوادگی» نیز نامیده اند خصوصياتی داشته که از جمله آن ها می توان به جمعی بودن مسئولیت و بی عدالتی در مجازات نام برد، که همان گونه که پیش تر گفته شد در صورت ارتکاب جرم توسط افراد، چنین فردی در جامعه حل شده و خانواده یا قبیله جای او را می گیرند، به نحوی که فرد مجرم به تنهایی، شخصیتی مستقل و جدا از جامعه ندارد و مسئولیت کاملاً جمعی و بر کل قوم، قبیله و یا عشیره فرد خاصی بار می شد. از طرفی نتیجه مستقیم جمعی بودن مسئولیت این بوده که هیچ گاه معیار و قاعده مشخصی برای کیفر بزهکاران وجود نداشته و چیزی شبیه قانون جنگل حکم فرما بود و هیچ گونه رابطه قاعده مندی بین جرم انجام یافته و کیفر مصوب دیده نمی شد و بنابراین پر واضح است که بی عدالتی در چنین مجازات هایی که مجرم در ابتدا فقط یک نفر بوده، یکی دیگر از خصوصیات بارز این دوران نیز بوده است.

### گفتار دوم: دوره دادگستری خصوصی یا انتقام شخصی

با شکل گیری دولت ها و کاسته شدن از قدرت قبیله ها، مداخله آن ها در اجرای کیفر نیز محدود گردید و اصول و ضوابطی پدید آمد که نشان دهنده تولد نظم اجتماعی و تعدیل نسبی انتقام خصوصی بود.

علی رغم این که در این دوران شخص بزهکار باید خود، پاسخ گوی کردار و رفتار خود می بود اما چون ابتکار پیگرد و مجازات بزهکار با زیان دیده و یا خانواده او بوده، دادگستری هنوز هم جنبه خصوصی داشت.

در این دوران دو اصل مهم یکی «پرداخت غرامت» و دیگری «قانون قصاص» به وجود می آید که هر کدام را به اختصار توضیح می دهیم:



۱- پرداخت غرامت: یکی از گام‌هایی که در دوره دادگستری خصوصی و یا انتقام شخصی برداشته شد، پرداخت مالی از طرف مجرم به مجنی<sup>۳</sup> علیه و یا اولیاء دم بوده تا از اجرای مقابله به مثل صرف نظر کنند. قبول خون بهاء در «آیین حمورابی»<sup>۳</sup> نیز رسم بوده و به عنوان کیفر در جرایم علیه اشخاص، خصوصاً در جرایم غیر عمدی اعم از قتل یا ضرب و جرح رواج داشته که طی شرایطی به مجنی<sup>۴</sup> علیه یا کسان ایشان پرداخت می‌گردید.<sup>۴</sup>

۲- قصاص: قربانی حق داشت، متعرض را به همان طریقی که او را مورد آزار و اذیت و صدمه قرار داده، شکنجه کند که به چنین مجازاتی قصاص نام داشته که آن را کهن‌ترین نوع کیفر بدنی در جوامع انسانی قلمداد می‌کنند، که پدیدآورنده آیینی نو در تعدیل و تنظیم انتقام بوده و اندیشه عدالت را در ذهن بشری بارور و پرورش داد.

شریعت موسی (ع) و پیش از آن قانون حمورابی کیفر قصاص را در جرایم قتل، شکستن اندام و آسیب به بدن پذیرفته‌اند<sup>۵</sup> به گونه‌ای که در قانون حمورابی، قصاص در جرایم قتل، شکست عضو و جرح در مواد ۱۹۶ و ۱۹۷ طی شرایطی و از جمله در صورت عمدی بودن عمل مرتکب و هم‌چنین هم‌کفو بودن مرتکب و مجنی<sup>۶</sup> علیه قابل اعمال بوده است.<sup>۶</sup>

علاوه بر قصاص به نحو فوق، نوع دیگری از قصاص به نام «قصاص کورکورانه» مشهور بود که در آن صرف مقابله به مثل با مرتکب تنها راه اعمال مجازات قصاص نبوده بلکه فروکش کردن خشم به غلیان آمده و ترضیه خاطر، بدون توجه به این که چه کسی مورد آزار و زیان و صدمه مجنی<sup>۷</sup> علیه یا خانواده وی قرار می‌گیرند هدف اصلی و نهایی بوده است.

در مورد قصاص از غیر مرتکبان و خطاکاران یا همان قصاص کورکورانه «بوتلینه» در کتاب خود که در قرون وسطی نوشته شده متذکر گردیده که: «هرگاه کسی مرتکب جرم مهمی علیه پادشاه یا ولیعهد می‌گردد نه تنها باید خودش به شدیدترین وجه شکنجه دیده و به مرگ

<sup>۳</sup>-قانون حمورابی قدیمی‌ترین قانون نوشته‌ای است که اکنون در دست بوده و به امر حمورابی و شاه سامی اهل بابل در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تدوین شده است.

<sup>۴</sup>-آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴.

<sup>۵</sup>-اردبیلی، ۱۳۸۴، ص ۶۴.

<sup>۶</sup>-آشوری، ۱۳۷۶، ص ۱۰۳.



محکوم می گردید ، بلکه فرزندان وی نیز باید معدوم می شدند ، که مقصود و هدف از بین رفتن فرزندان آن بوده که باید نطفه افراد بدکار و فرزندان آنان که جنایت و خیانت را از پدر به ارث می برند ، از میان برداشته شود»<sup>۷</sup>.

قانون قصاص جهش و حرکتی قابل توجه در بنیادهای حقوق جزا به شمار می رود که به واسطه آن علاوه بر این که مسئولیت جمعی دوره های قبلی تا حدود زیادی محدود می گردد ، اجرای مجازات ها نیز تحت قاعده برابری جرم ارتکاب یافته توسط مجرم و کیفری که باید توسط مجنی علیه یا اولیای ایشان اعمال گردد ، درآمده و در این راستا عضو در برابر عضو و جان در برابر جان قرار گرفته و هرگاه هم که عملاً اعمال مجازات قصاص به این شکل ممکن نبوده ، غرامت جای آن را می گرفت.

بعد از دوران های انتقام و دادگستری خصوصی «شخصی» که زائیده دوره اخیر پرداخت غرامت و قانون قصاص بوده ، با ظهور دولت ها به شکل جدی تر و استقرار حکومت های مرکزی و نیاز به نظم ، دولت جایگزین فرد می شود و انتقام خصوصی تحت تاثیر مبانی مذهبی ، اخلاقی و اجتماعی نفی گشته که بیشتر از هر چیز نفع جامعه را مورد توجه قرار داده و این آغاز نوعی دادگستری عمومی و تعدیل کلی دوره انتقام و خصوصیات و ویژگی های آن می باشد.

### گفتار سوم : قصاص در ایران باستان

هم زمان با سیر تاریخی بنیادهای حقوق جزا در دنیا که تا اواخر قرن هجدهم به درازا کشید ، حقوق جزای ایران را نیز می توان ، حسب بنیادهای مختلف به سه عصر متمایز تقسیم کرد ، که دوره اول از دوران باستان شروع و تا حمله اعراب به ایران و رواج قوانین اسلامی ادامه پیدا می کند ؛ دوره دوم با طلوع اسلام آغاز می گردد و با انقلاب مشروطیت ، به دلیل این که حقوق جزای اروپا سراسر سرزمین ما را در بر می گیرد ، به تغییر جهت می رسد و سپس در دوره سوم و پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به خصوص از سال ۱۳۶۱ ، دست خوش تغییرات در

<sup>۷</sup>-به نقل از : شامیانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۱.



قوانین جزایی هم چنان ادامه پیدا کرده است ، که بنیادهای جزایی و خصوصاً مجازات ها و مبحث قصاص را در هر کدام از این سه دوره به اقتضای نیاز تحقیق و تاجایی که از موضوع اصلی خارج نشویم ، شرح و توضیح داده خواهد شد.

### بند اول : دوره باستان تا طلوع اسلام

در دوره ایران باستان که از (۵۵۰) سال قبل از میلاد و با تشکیل دولت هخامنشیان شروع می شود و در ۶۵۱ سال بعد از میلاد یعنی انقراض سلسله ساسانیان با تسلط اعراب پایان می گیرد و به ترتیب سه سلسله هخامنشی از (۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد) ، اشکانیان از (۲۴۸ قبل از میلاد تا ۲۲۴ میلادی) نهایتاً ساسانیان از (۲۲۴ قبل از میلاد تا ۶۵۱ میلادی) بر ایران حکومت کرده اند ، علاوه بر این که مدارک زیادی وجود نداشته و در دسترس نیست ، اسناد موجود نیز از نظر شناخت بنیادهای حقوق جزا چندان گسترده نیستند . اما آن چه که ملموس بوده این که با توجه به اسناد باقی مانده از عصر ساسانیان ، ایرانیان توجه خاصی به ایجاد تحول در بنیادهای حقوق جزایی داشته اند.

مدارک دوره هخامنشیان محدود به چند کتاب تاریخی از جمله کتاب های «هرودوت» مورخ یونانی ، «دکتر باس» پزشک یونانی که قریب به بیست سال را هم در دربار ایران گذرانیده و «گرنفون» نویسنده کتاب «بازگشت ده هزار تن» می توان اشاره کرد.

البته کتیبه ها و لوایح کشف شده در خرابه های تخت جمشید نیز در زمره این مدارک جزایی می باشند ، در حالی که در عصر ساسانی مدارک بیشتری موجود بوده که از آن جمله می توان به کتاب های زند و اوستا ، ماتیکان هزار دادستان که بزرگترین اثر حقوقی ایران باستان و شامل رویه های قضایی و مقررات حقوقی دوران ساسانی است که به زبان پهلوی نوشته شده ، تاریخ طبری و هم چنین نامه «تنسر» هیربد هیربدان به «گوشنسب» پادشاه طبرستان برای اطاعت از اردشیرشاه ایران اشاره کرد<sup>۸</sup> که طبق سند اخیرالذکر (نامه تنسر) جرایم به سه گروه ، جرایم علیه دین مانند توهین به اماکن مقدس ، جرائم علیه پادشاه و دولت مانند توهین

<sup>۸</sup>- حسین، آقایی جنت مکان، حقوق کیفری عمومی (براساس قانون مجازات اسلامی ۹۲)، جلد اول ، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص ۷۱.



- ۸۷- فیومی ، احمد بن محمد ، المصباح المنیر ، جلد اول ، چاپ سوم ، قم ، موسسه دارلهجره ، ۱۴۲۵ هـ ق .
- ۸۸- محقق اردبیلی ، احمد بن محمد ، مجمع الفائدة البرهان ، جلد چهاردهم ، قم ، موسسه نشر اسلامی ، چاپ دوم ، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ۸۹- محقق حلی ، جعفر بن الحسن ، شرایع الاسلام ، جلد چهارم ، قم ، موسسه نشر اسلامی ، ۱۴۰۹ هـ ق.
- ۹۰- محقق حلی ، حسن بن محمد ، تذکره الفقهاء ، جلد دوم ، چاپ اول ، قم ، موسسه نشر اسلامی ، بی تا.
- ۹۱- محقق حلی ، ابوالقاسم ، شریع الاسلام ، جلد سوم ، چاپ اول ، عراق ، نجف ، انتشارات آداب ، ۱۹۶۹ م.
- ۹۲- محمد بن مکی العاملی (شهید اول) ، شمس الدین ، لمعه دمشقیه (ترجمه عباس حسینی نیک) ، مجمع علمی و فرهنگی مجد ، ۱۳۸۷.
- ۹۳- مرعشی ، محمد حسن ، شرح قانون حدود و قصاص ، جلد اول ، تهران ، انتشارات و زارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۷۱ هـ ش.
- ۹۴- موسوی اردبیلی ، عبدالکریم ، جزوه «الطرف الثالث فی اقسام الحقوق» ، دانشگاه مفید ، ۱۳۷۶.
- ۹۵- موسوی خمینی ، روح اله ، تحریر الوسیله ، جلد ۲ (ترجمه علی اسلامی) ، تهران دفتر انتشارات اسلامی ، ۱۳۸۳ هـ ش.
- ۹۶- نیراوی ، نبیل عبد الصبور ، سقوط الحق فی العقاب ، قاهره ، دارالفکر العربی ، ۱۹۹۶ م.
- ۹۷- نجفی ، محمد حسن ، جواهر الکلام ، جلد ۴۲ ، تهران ، نشر کتابخانه اسلامی ، چاپ ششم ، ۱۳۶۵ هـ ش.